

نفوذ به بازار آمریکای شمالی از طریق مکزیک

اشاره:

سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک در دسامبر ۱۹۹۲ با امضای موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) اساس تشکیل یک بازار مشترک برای جمعیت ۳۶۰ میلیون نفری این ناحیه را بنیان نهادند.

پیمان نفتا بزرگترین بازار منطقه‌ای در جهان را در بر گرفته است و به لحاظ ایجاد شرایط آزاد تجاری و سرمایه‌گذاری در منطقه، می‌تواند تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی پایدار سه کشور مورد بحث داشته باشد.

با وجود تلاش‌هایی که در سطح بین‌المللی برای انعقاد پیمان تجارت آزاد جهان در جریان دور گفت‌وگوهای اروگوئه هم‌زمان انجام می‌شد، انعقاد پیمان نفتا در واقع واکنش واقعی امریکا نسبت به آزادسازی تجاری در سطح بین‌المللی و بر منطقه‌گرایی این کشور را نشان می‌دهد.

دولت امریکا با تلاشی که برای امضای موافقتنامه «نفتا» به عمل آورد نشان داد که هواداری از منافع اقتصاد ملی تا بدانجاست که بسیاری از شعارهای جهانی این کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. با این وصف بررسی وضعیت اقتصادی سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک و نیز پیمان نفتا، برای داشتن دیدگاه روشنی از بازار منطقه‌ای آمریکای شمالی اهمیت دارد. هر چند که در حال حاضر تجارت میان جمهوری اسلامی ایران و اعضای «نفتا» در سطح قابل توجهی نمی‌باشد، لیکن تا دو سال پیش بخش قابل توجهی از نیازهای توسعه صنعت نفت ایران از طریق شعب اروپایی شرکت‌های آمریکایی تأمین می‌شد و داشتن یک تراز تجاری متوازن، از ضروریات غیر قابل انکار می‌باشد که در نتیجه شناسایی راه‌های نفوذ به این بازار بزرگ را توجیه می‌کند.

در این گزارش به وضعیت اقتصادی سه کشور عضو «نفتا»، اهمیت پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی و نیز رابطه تجاری میان ایران با سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک یک‌نگاهی داریم.

اوضاع اقتصادی آمریکا در سال‌های اخیر

اقتصاد آمریکا از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد رکود عمیقی شد. در سایه برپا شدن جنگ خلیج فارس پس از اشغال کویت از سوی عراق و سرازیر شدن دلارهای نفتی اعراب به سوی اقتصاد آمریکا برای تأمین هزینه‌های دخالت نظامی این کشور در منطقه خلیج فارس، وضعیت تراز پرداخت‌های آمریکا یکباره

تغییر کرد و از حدود بیش از یکصد میلیارد دلار کسری سالانه به ۳ میلیارد دلار مازاد در سال ۱۹۹۲ تبدیل شد. جنگ خلیج فارس بیش از یکصد میلیارد دلار از ذخایر ارزی عربستان، کویت و برخی کشورهای اروپایی و ژاپن را به اقتصاد آمریکا سرازیر کرد. پس از جنگ خلیج فارس، اقتصاد آمریکا از حالت رکود خارج شد و بتدریج روند بهبود را طی کرد به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۳ به میزان ۳ درصد و در سال ۱۹۹۴ حدود ۴ درصد اقتصاد آمریکا رشد داشت.

تراز تجاری آمریکا که از اواسط دهه گذشته با کسری‌های کلان روبه‌رو بود، از اوایل دهه میلادی جاری روند بهبود را آغاز کرد. تلاش‌های فدرال رزرو آمریکا برای پایین نگه داشتن ارزش دلار در برابر ارزهای معتبر جهانروا، عمده دلیل بهبود وضعیت تجارت خارجی آمریکا بود. کسری تراز بازرگانی

۱۹۸۶ می‌باشد. در سال ۱۹۸۶ کسری تراز تجاری امریکا با کانادا در سطح ۲۲/۹ میلیارد دلار ثبت شد.

○ در حال حاضر تجارت میان ایران و نفتا در سطح قابل توجهی نیست، اما تا دو سال پیش بخش قابل توجهی از تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت و گاز و مسخبرات از شعب اروپایی شرکت‌های امریکایی تأمین می‌شد.

در سال ۱۹۹۵ به ۵۹/۳ میلیارد دلار رسید. با این وجود این نخستین بار در چهار سال گذشته بود که عدم توازن تجارت میان دو کشور نسبت به سال ماقبل، کاهش داشت. کسری تراز تجاری امریکا با ژاپن در سال ۱۹۹۴ بیش از ۶۰ میلیارد دلار ثبت شد. کسری تراز بازرگانی امریکا با کانادا در سال میلادی گذشته به ۱۸/۶ میلیارد دلار رسید که بالاترین میزان از سال

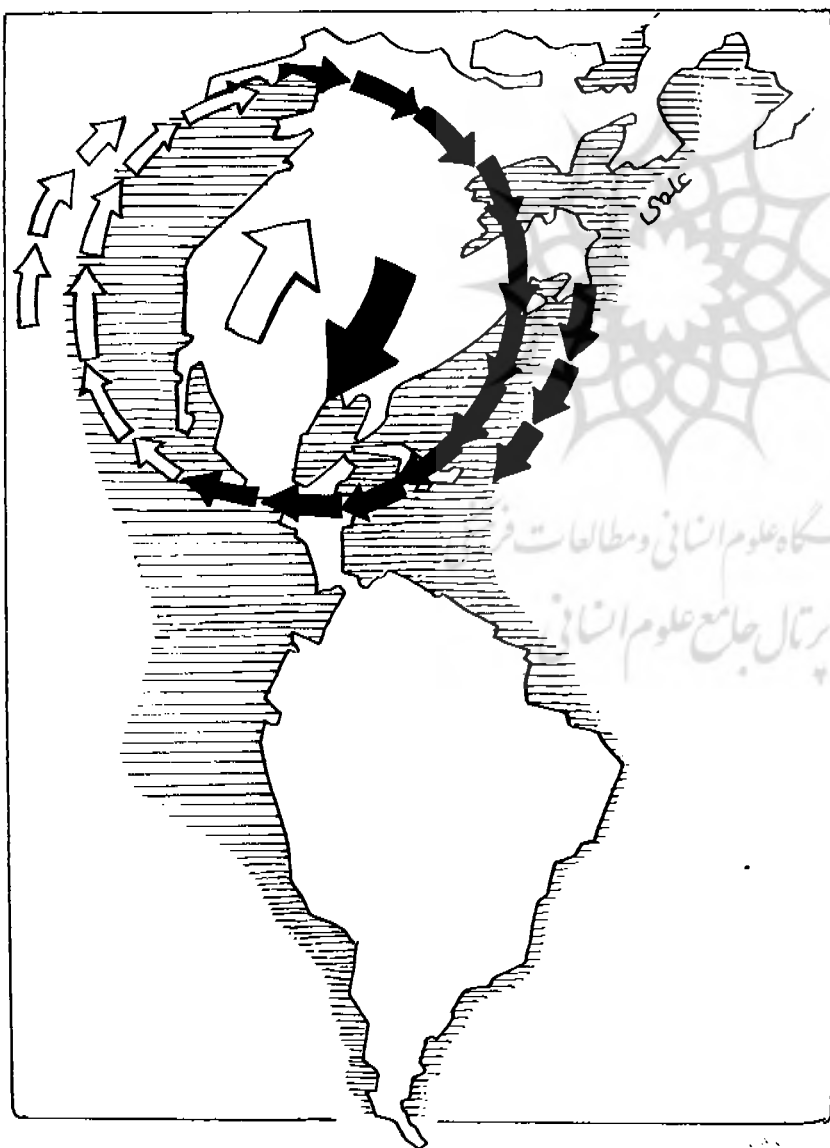
امریکا در سال ۱۹۸۶ به بیش از ۱۵۸ میلیارد دلار رسیده بود که بتدریج کاهش یافت و در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار در سال‌های اخیر به کمتر از یکصد میلیارد دلار بالغ شد. البته با رشد رقابت در بازارهای بین‌المللی تأثیر ارزانی دلار بر تراز تجاری امریکا همچنان باقی نماند بر اساس گزارش وزارت بازرگانی امریکا، کسری تراز تجارت کالا و خدمات این کشور در سال ۱۹۹۵ به بیشترین میزان در هفت سال اخیر رسید.

○ بیمنان تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) بزرگترین بازار منطقه‌ای جهان با ۳۶۰ میلیون نفر جمعیت را در بر گرفته و برای ایجاد شرایط تجاری و سرمایه‌گذاری در منطقه و دسترسی به رشد اقتصادی پایدار در سه کشور امریکا، کانادا و مکزیک، منعقد شد.

ارزش صادرات امریکا در سال ۱۹۹۵ به ۷۸۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار و ارزش واردات آن به ۸۹۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسید. به این ترتیب کسری تراز بازرگانی خارجی به رقم ۱۱۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بالغ شد که بالاترین میزان از سال ۱۹۸۸ بود. (در سال ۱۹۸۸ کسری تراز بازرگانی امریکا به ۱۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسید).

در میان شرکای تجاری عمده امریکا، کانادا، ژاپن و مکزیک بالاترین میزان عدم توازن تجاری را در رابطه با امریکا به ثبت رساندند.

کسری تراز بازرگانی امریکا با ژاپن



کسری تراز بازرگانی آمریکا با مکزیک نیز در سال گذشته به رقم رکوردگونه ۱۵/۴ میلیارد دلار رسید که علت آن کاهش صادرات به مکزیک و افزایش واردات از آن کشور بود.

با گذشت سه سال از امضای پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی، گسترش تجارت در این ناحیه به چشم می‌خورد. با این وجود رشد صادرات همسایه‌های شمالی و جنوبی آمریکا به این کشور، سبب شده است که مصرف‌کنندگان امریکایی، با تورم کمتری روبه‌رو شوند. میزان سالانه تورم در آمریکا در سال‌های اخیر همواره کمتر از چهار درصد بوده است، در حالی که میزان اشتغال در اثر خروج اقتصاد آمریکا از رکود نیز بیوسته سیر صعودی داشته است. میزان بیکاری در آمریکا که در دوران رکود به حدود ۱۰ درصد جمعیت فعال این کشور می‌رسید. در سال ۱۹۹۵ به ۵/۳ درصد نیروی کاری این کشور تنزل یافت.

○ جنگ خلیج فارس به خروج اقتصاد آمریکا از رکود کمک کرد و دلارهای نفتی عربستان و کویت به کمک تراز پرداخت‌های آمریکا آمد.

در همین حال سیل سرمایه‌گذاری امریکایی‌ها در شمال مکزیک در سال‌های اخیر فزونی یافته است. شاید اقتصاد آمریکا برای سرمایه‌گذاری داخلی از اوایل دهه میلادی جاری چندان جذابیتی نداشت، اما نیروی کار ارزان مکزیک و دسترسی به منابع اولیه این کشور، سرمایه‌گذاری‌های جدید را از توجیه اقتصادی کافی برخوردار

می‌ساخت.

در یک کلام هرچند پیمان نفتا به رشد سریع واردات آمریکا از شمال و جنوب این کشور و بروز کسری‌های تجاری کلان با همسایگان، انجامید، اما مصرف‌کنندگان داخلی را با تحمیل نرخ تورم و بیکاری کمتر، راضی ساخت. گذشته از آنکه اقتصاد آمریکا به رشد ملایم خود ادامه داده است.

اقتصاد کانادا در سال‌های اخیر

اقتصاد کانادا در سال میلادی گذشته از رکودی که از اوایل دهه ۱۹۹۰ با آن روبه‌رو بود خارج شد. رشد اقتصادی کانادا در سال گذشته به ۲/۳ درصد رسید که عمدتاً از افزایش صادرات به آمریکا ناشی شد.

○ ارزش صادرات و واردات آمریکا در سال ۱۹۹۵ به ترتیب ۷۸۳/۵ و ۸۹۴/۷ میلیارد دلار ثبت شد کسری تراز بازرگانی آمریکا در این سال به ۱۱۱/۲ میلیارد دلار بالغ شد که بالاترین میزان از سال ۱۹۸۸ بود.

اداره آمار کانادا اخیراً اعلام کرد که صادرات کانادا به ویژه با افزایش فروش خودرو، کامپیوتر، تجهیزات مخابراتی و محصولات نهایی به خارج از کشور در سه ماهه چهارم سال گذشته ۱۴ درصد ترقی کرد. حدود ۴۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کانادا به بازارهای خارجی صادر شد. مصرف‌کنندگان کانادایی بدلیل بدهی‌های کلانی که در دوران رکود اقتصادی این کشور به بار آورده بودند، در سال گذشته مجبور بودند که هزینه‌های شخصی را محدود

کنند تا جایی که هزینه‌های مصرف ۰/۴ درصد کاهش داشت.

بسیاری از مصرف‌کنندگان کانادایی، همچنان نگران از دست دادن مشاغل خود بودند، با این حال، میزان بی‌کاری در این کشور سال گذشته به حدود ۹ درصد جمعیت فعال رسید که نسبت به سال ۱۹۹۴ (که بیش از ۱۰ درصد نیروی کار کانادا بیکار بودند) کاهش داشت. کانادا بالاترین میزان بیکاری از آغاز دهه میلادی جاری را در سال ۱۹۹۲ در حدود ۱۲ درصد ثبت کرد. وابستگی شدید اقتصاد کانادا به روند اقتصادی آمریکا و مبادلات تجاری با این همسایه جنوبی تا بدانجاست که می‌گویند: اگر می‌خواهید از وضعیت اقتصادی آینده کانادا آگاه شوید به

○ تراز بازرگانی آمریکا با کانادا در سال گذشته ۱۸/۶ میلیارد دلار و با مکزیک ۱۵/۴ میلیارد دلار کسری نشان داد. موافقتنامه تجارت، آزاد امریکای شمالی به افزایش صادرات کانادا و مکزیک به آمریکا کمک کرد.

جنوب نگاه کنید و ببینید که آمریکا چه وضعیتی دارد.

محدودیت هزینه‌های مصرف در کانادا سبب شد که بهای کالاها و خدمات مصرف در این کشور سال گذشته حدود ۲ درصد افزایش یابد و بیش‌بینی می‌شود در سال جاری نیز به همین میزان باشد. بدهی‌های فردی و مؤسسات تجاری کانادا در سال‌های اخیر بیوسته سیر صعودی داشته به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۵ بیشترین میزان ورشکستگی اشخاص و

مؤسسات اقتصادی اعلام شد. وزارت صنعت کانادا جندی بیش اعلام کرد که در سال ۱۹۹۵ بیش از ۷۳ هزار کانادایی یا مؤسسات اقتصادی آنها دچار ورشکستگی شدند که این رقم به مراتب از میزان ورشکستگی سال ۱۹۹۴ (که ۶۰۵/۵۹ مورد ثبت شد)، بیشتر بود. در سال ۱۹۹۲ شمار شخصیت‌های حقیقی و حقوقی کانادا به رکورد ۷۶۱۳۹ مورد رسید.

مقام‌های وزارت صنعت کانادا علت افزایش ورشکستگی را اقتصاد ضعیف کانادا، سطح بالای بدهی‌های فردی و رشد کم میزان اشتغال در این کشور اعلام کرده‌اند. تجارت خارجی که نقش فعالی در روند اقتصادی کانادا دارد، روند روبه‌رشدی را طی می‌کند به گونه‌ای که مازاد تراز بازرگانی خارجی کانادا ماهانه بیش از یک میلیارد دلار است.

تراز تجارت خارجی کانادا با همسایه جنوبی (امریکا) در سال گذشته به ۱۸/۶ میلیارد دلار رسید که علت اصلی در از بین رفتن رکود اقتصادی چندساله این کشور بود.

کانادا در تولید محصولات کشاورزی به ویژه کتدم، مواد اولیه مانند نفت و گاز و تولیدات صنعتی (تجهیزات مخابراتی، ماشین‌آلات صنعتی، خودرو، فولاد و ...) برتری دارد.

○ با افزایش صادرات کانادا به بازار امریکا، اقتصاد کانادا از رکودی که از ابتدای دهه جاری با آن روبه‌رو بود، خارج شد. حدود ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی کانادا به خارج از کشور و به طور عمده به امریکا صادر می‌شود.

اوضاع اقتصادی مکزیک در سال‌های اخیر

یکسال و نیم پیش، اقتصاد مکزیک با یک بحران شدید مالی روبه‌رو شد، به گونه‌ای که رکود فعالیت‌های اقتصادی و تورم فزاینده سبب کاهش مستمر ارزش یول ملی این کشور (پزو) می‌شد.

هر چند که کمک‌های اقتصادی جامعه بین‌المللی (از جمله صندوق بین‌المللی پول) و نیز دولتمردان و بانک‌های امریکایی سبب شد که مکزیک از بحران مالی جان سالم بدر برد، اما هنوز با اجرای برنامه‌های اقتصادی اضطراری و جذب کمک‌ها و اعتبارات مالی هنگفت بین‌المللی، نتوانسته است این کشور را به رشد اقتصادی مثبت برساند.

تولید ناخالص داخلی مکزیک در نخستین فصل سال میلادی جاری یک درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل بود. این در حالی است که از شروع بحران مالی مکزیک (در اذرماه ۷۳) که با کاهش ارزش برابری پزو، آغاز شد و به فرار میلیاردها دلار سرمایه داخلی و خارجی انجامید، رشد اقتصادی این کشور همچنان منفی بوده است. در سه‌ماه دوم سال ۱۹۹۵ تولید ناخالص داخلی مکزیک حدود ۱۰ درصد کمتر از مدت مشابه یکسال قبل از آن بود.

با اجرای برنامه اقتصادی اضطراری و بکارگیری ده‌ها میلیارد دلار کمک مالی و اعتباری کشورهای غربی و مؤسسات مالی بین‌المللی، روند کاهش تولید ناخالص داخلی مکزیک بتدریج تخفیف یافت و در کل سال گذشته به ۷ درصد رسید. کارشناسان اقتصادی کاهش یک درصد تولید ناخالص داخلی

مکزیک در نخستین فصل سال جاری را بهترین عملکرد اقتصادی این کشور از شروع بحران (آغاز سال ۱۹۹۵) می‌دانند.

○ پیمان نفتا به کاهش میزان بیکاری کانادا از حدود ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۹ درصد در سال گذشته کمک کرد، هر چند که مصرف‌کنندگان کانادایی هنوز نگران از دست دادن مشاغل هستند.

در جریان بحران مالی مکزیک، ارزش پزو بیش از ۵۰ درصد در مقابل ارزهای معتبر تقلیل یافت، اما از آغاز سال جاری بتدریج افزایش یافته است. برخی کارشناسان با وجود تورم ۱۱ درصدی در چهار ماه نخست سال جاری، به گرانی ارزش پزو اشاره دارند و می‌گویند که ارزش آن بیش از اندازه در حال قوی شدن است.

تورم مشکلی است که دولت و مردم همچنان با آن روبه‌رو هستند. میزان تورم در مکزیک سال گذشته به بیش از ۵۰ درصد رسیده کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند، میزان تورم در سال جاری به ۳۵ درصد برسد، در حالی که آنها خود بر این باورند که دولت یکی از عوامل اصلی بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها در این کشور می‌باشد. پرداخت یارانه از سوی دولت برای کالاها در حال حذف شدن است و دولت در صدد است حتی یارانه نان مصرفی مردم را قطع کند و همین امر از عوامل رشد میزان تورم می‌باشد.

در حالی که مکزیک سال گذشته تورم ۵۲ درصدی را تجربه کرد، بازار

سهام این کشور نیز با ۵۰ درصد کاهش سرمایه‌گذاری خارجی روبه‌رو شد. در حالی که مقام‌های رسمی مکزیک بر رشد میزان اشتغال تأکید دارند، فرار سرمایه‌ها از این کشور، موجب گسترش بیکاری شده است.

○ مقام‌های وزارت صنعت کانادا، علت افزایش موارد ورشکستگی افراد حقیقی و حقوقی را در سال ۱۹۹۵ به اقتصاد ضعیف کشور، میزان بالای بدهی‌های فردی و رشد اندک میزان اشتغال، نسبت دادند.

سخنگوی برنامه بهبود اقتصادی دولت مکزیک اخیراً اعلام کرد که کاهش ۷ درصدی تولید ناخالص داخلی کشور در سال گذشته سبب شد که ۱/۱ میلیون کارگر مکزیکی شغل خود را از دست بدهند.

وی گفت: با توجه به اولویت‌ها، هدف اول باید ایجاد اشتغال و سپس از بین بردن شکاف در قدرت خرید مردم باشد.

در سال ۱۹۹۵ مزدبگیران در مکزیک ۲۵ تا ۳۳ درصد قدرت خرید خود را از دست دادند دولت با ترویج مشاغلی نظیر حفظ و احداث جاده‌ها تلاش دارد در سال ۱۹۹۶ حدود ۲ میلیون مکزیکی را حتی به صورت موقت بر سر کار گذارد.

با وجود آنکه میلیون‌ها کارگر مکزیکی در اثر تورم، قدرت خرید خود را از دست داده‌اند، هنوز کارشناسان اقتصادی به غلبه دولت بر تورم امید دارند. مکزیک تورم ۱۵۰ درصدی سال ۱۹۸۷ را به حدود ۲۰ درصد در اوایل

دهه جاری و کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۳ (حتی هفت درصد در سال ۱۹۹۴) رسانده بود و از این نظر یک تجربه موفق دارد.

با وجود کاهش تولید ناخالص داخلی از زمان بروز بحران مالی، تراز تجارت خارجی این کشور در سال گذشته برای نخستین بار در شش سال اخیر مازاد نشان داد.

○ کمک و اعتبارات مالی هنگامت منابع بین‌المللی و به ویژه امریکا به مکزیک سبب شد که اقتصاد مکزیک از بحران مالی یک سال و نیم پیش رهایی یابد، با این حال تولید ناخالص داخلی مکزیک در سال ۱۹۹۵ نسبت به سال ماقبل ۷ درصد کاهش داشت.

ارزش صادرات مکزیک در سال ۱۹۹۵ با حدود ۳۱/۲ درصد رشد نسبت به سال ۱۹۹۴ به ۷۹/۸۹ میلیارد دلار و ارزش واردات آن با ۸/۶ درصد کاهش به ۷۲/۵ میلیارد دلار رسید. به این ترتیب تراز تجارت خارجی مکزیک ۷/۴ میلیارد دلار مازاد داشت.

نفت خام از اقلام صادراتی مکزیک است و با بهبود قیمت آن در بازارهای جهانی در سال ۱۹۹۵، وضعیت درآمد صادراتی مکزیک به نحو قابل توجهی بهبود یافت. مکزیک روزانه ۲/۶ میلیون بشکه نفت خام تولید می‌کند که نیمی از آن به خارج از کشور (به ویژه امریکا) صادر می‌شود.

عمده‌ترین شریک تجاری مکزیک، امریکا می‌باشد. در سال گذشته تراز تجاری مکزیک با این کشور ۱۵/۴ میلیارد دلار مازاد داشت با افزایش

سرمایه‌گذاری در بازار سهام مکزیک، انتظار می‌رود، اقتصاد این کشور در سال جاری وضعیتی بهتر از سال گذشته داشته باشد و میزان بیکاری که به ۵/۵ درصد جمعیت فعال این کشور در پایان سال گذشته رسیده اندکی تخفیف یابد.

پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه

از تحولات عظیمی که در صحنه روابط بین‌الملل و پس از پایان دوران جنگ سرد به وقوع پیوسته است. تشکیل قطب‌های اقتصادی جدید به ویژه از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد می‌باشد. این گرایش‌ها منطقه‌ای، بنوبه خود از ضرورت شکل‌گیری نظم اقتصادی جدید منبعت می‌شود که اهداف فراملی و تشکیل بازار واحد جهانی را در نهایت دنبال می‌کند.

با این وصف موافقتنامه‌های منطقه‌ای اخیر را باید با ماهیت موافقتنامه‌های تجاری سنتی که به طور عمده پس از خاتمه دومین جنگ جهانی به وجود آمد، متفاوت دانست. زیرا از یک سو تجارت بین‌المللی به یکی از اولویت‌های اساسی در کشورها و در سطح جهانی تبدیل شده است و از سوی دیگر پایان یافتن دوران جنگ سرد، ضرورت اعطای امتیازات تجاری و اقتصادی در ارتباط با ملاحظات سیاسی و استراتژیک را منتفی نموده است.

در راستای این ضرورت‌ها، تحولات اساسی در سطح منطقه‌ای و جهانی شکل گرفت و در سال ۱۹۹۳ با به ثمر رسیدن دور گفت و گوهای اروگوئه،

وحدت اروپا و نیز پیمان تجارت آزاد آمریکای شمال (نفتا)، به اوج خود رسید.

پیمان نفتا را می‌توان از نظر اندازه بازار، بزرگترین موافقتنامه منطقه‌ای دانست که تاکنون تحقق یافته است. «نفتا» جمعیتی در حدود ۳۶۰ میلیون نفر و با ارزش تولید ناخالص داخلی ۷ هزار میلیارد دلار را در برمی‌گیرد و از حیث توان اقتصادی و بزرگی بازار توانسته است خود را در جایگاهی برتر از «جامعه اروپا» قرار دهد.

با پیش‌بینی‌هایی که درباره الحاق کشورهای آمریکای لاتین به نفتا صورت گرفته است، این موافقتنامه به بزرگترین توافق تجاری در سطح جهان بدل خواهد شد.

○ تورم مشکلی است که دولت و مردم مکزیک با آن دست به‌گریباندند. در سال ۱۹۹۵ میزان تورم به بیش از ۵۰ درصد رسید. دولت در نظر دارد تورم را در سال جاری به ۳۵ درصد برساند و پرداخت یارانه برای کالاها و خدمات مصرفی را بتدریج کاهش دهد و آن را قطع نماید.

از آنجا که شکل‌گیری هر توافق منطقه‌ای خواه و ناخواه آثار و تبعاتی بر سایر کشورها و مناطق دارد، لذا منطقی است که نسبت به اجرای چنین توافقتنامه‌هایی و پیامدهای آن به سادگی نگذریم.

در این نوشتار، سعی شده که ارائه تصویری روشن از پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی، تأثیرات جانبی آن بر کشورهای عضو و غیرعضو این پیمان

مطرح شود.

بررسی پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی

پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ میان سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک به امضاء رسید و از آغاز سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد.

این پیمان تسهیلاتی را در جهت دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، وسایط نقلیه موتوری، انرژی، خدمات مالی، ارتباطات، منسوجات و پوشاک و نیز حمل و نقل بین سه کشور عضو، به وجود آورد.

سهولت در امر دسترسی به بازار در قالب کاهش مرحله‌ای تعرفه‌های گمرکی، رفع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، کاهش محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و هماهنگ‌سازی استانداردهای تولیدی، صورت گرفته است اهداف این موافقتنامه عبارتند از: حذف موانع تجاری، ارتقاء رقابت، افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و برقرار رویه‌های مؤثر در اجرا و استفاده از پیمان برای رفع منازعات و گسترش همکاری‌های سه‌جانبه منطقه‌ای و چندجانبه در آینده. در بحث قوانین مبدأ، نفتا تمام تعرفه‌های گمرکی موجود بر کالاها را که در منشأ سه کشور عضو تولید شده، در دوره انتقالی از بین می‌برد.

قوانین مبدأ نشان می‌دهد که کدام کالاها تحت پوشش نظام تعرفه‌های حمایتی قرار دارند. کالاهایی که مواد اولیه آنها از خارج از منطقه نفتا تأمین

شده، می‌توانند مشمول نظام تعرفه‌های ترجیحی باشند، مشروط بر آنکه این مواد به حد کافی در منطقه نفتا پردازش شده باشد و دستخوش تغییرات شخصی در طبقه‌بندی تعرفه‌ای، شده باشند. در بعضی موارد علاوه بر شمول تغییر طبقه‌بندی تعرفه‌ای، درصد مشخصی از کالا باید در آمریکای شمالی ساخته شده باشد.

بنابراین چنانچه ارزش افزوده بر مواد یا کالاهای واسطه‌ای وارداتی به منطقه در حد قابل ملاحظه‌ای باشد، کالای نهایی تولید شده دارای منشأ منطقه‌ای تلقی می‌شود و از امتیازات تجارت آزاد بهره‌مند می‌گردد.

این موضوع به ویژه برای کشورهای غیرعضو پیمان نفتا حائز اهمیت است و بسیاری از صادرکنندگان کالا به آمریکای شمالی را ترغیب به سرمایه‌گذاری در یکی از سه کشور عضو پیمان نفتا می‌کند.

در میان اعضای نفتا، مکزیک موقعیت خاصی از حیث جذب سرمایه‌گذاری خارجی، پیدا کرده است. این کشور به جهت برخورداری از نیروی کار ارزان و نزدیکی جغرافیایی به بازار بزرگ آمریکا و نیز تسهیلاتی که برای حفظ منافع سرمایه‌گذاران خارجی (امکان دستیابی به ۱۰۰ درصد ارزش سرمایه‌گذاری خارجی) قایل است، غالباً مورد توجه کشورهای غیرعضو پیمان نفتا می‌باشد. سرمایه‌گذاران ژاپنی و اروپایی بیش از دیگران به این موضوع توجه دارند.

می‌توان گفت، پیمان نفتا بیشترین تأثیر را بر سرمایه‌گذاری در منطقه دارد و در این میان احتمال آنکه مکزیک

بتواند بیشترین سهم جذب سرمایه‌های خارجی در منطقه نفتا را داشته باشد، روزه‌روز افزون‌تر می‌شود.

○ مکزیکی سرمایه‌گذاری خارجی تا صد درصد سهام را می‌پذیرد. انتظار می‌رود با افزایش سرمایه‌گذاری در بازار سهام، اقتصاد این کشور در سال جاری بهبود یابد.

تأثیر پیمان نفتا بر کشورهای عضو و غیر عضو آن

محمد زاغیان کارشناس ارشد اقتصادی که مقالات فراوانی درباره وضعیت اقتصادی کشورهای امریکای لاتین دارد، معتقد است: تأثیر پیمان نفتا بر کشورهای عضو با وجود آنکه در محافل علمی و با استفاده از مدل‌های متعدد تجزیه و تحلیل شده است، اما نتایج حاصله نه‌تنها یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه در پاره‌های موارد بسیار متفاوت بوده است.

وی می‌گوید: در مطالعات انجام شده در باره تأثیر پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) بر کل میزان اشتغال و دستمزد واقعی کارگران با تخصص پایین در کانادا و امریکا، برخی افزایش و برخی کاهش میزان اشتغال را نشان می‌دهد. اما در اکثر موارد اثرات این پیمان بر اشتغال و دستمزدهای واقعی ناچیز بوده است و تغییر در دستمزدهای واقعی کمتر از ۲ درصد برآورد شده است.

وی گفت: نتایج حاصل از آزادسازی تجارتی در چارچوب پیمان نفتا به حجم نسبی تجارت بین کشورهای عضو و اندازه نسبی اقتصاد آنها، بستگی دارد.

اقتصاد کانادا (از نظر ارزش تولید ناخالص داخلی) حدود یک‌دهم اندازه اقتصاد امریکاست. در حالی که اندازه اقتصاد مکزیکی کمتر از ۵۰ درصد کانادا می‌باشد.

○ ارزش صادرات و واردات مکزیکی در سال گذشته به ترتیب ۷۹/۸۹ و ۷۲/۵ میلیارد دلار و مازاد تراز تجاری این کشور ۷/۴ میلیارد دلار اعلام شد.

وی افزود: موافقتنامه تجارت آزاد میان امریکا و کانادا پیش از انعقاد نفتا: تجارت بین این دو کشور را آزاد ساخت. با وجود آنکه حجم تجارت میان مکزیکی و کانادا اندک می‌باشد، احتمال وضعی وجود دارد که نفتا بتواند منجر به افزایش تجارت بین این دو کشور شود.

وی می‌گوید: مکزیکی شریک تجاری عمده‌ای برای امریکاست، اما از آنجا که اقتصاد امریکا از حیث اندازه تولید ناخالص داخلی، بزرگ است. مکزیکی فقط می‌تواند ۷ درصد صادرات و واردات امریکا را به خود اختصاص دهد. در همین حال تجارت با امریکا برای مکزیکی بسیار مهم است زیرا ۷۰ درصد مبادلات خارجی این کشور را در بر می‌گیرد. بنابراین انتظار می‌رود که مکزیکی اغلب دستاوردهای پیمان نفتا را به خود اختصاص دهد و در عین حال فشارهای ناشی از تعدیلات بوجود آمده از سوی نفتا را تحمل کند.

زاغیان گفت: انتظار می‌رود که نفتا تجارت بین سه کشور عضو را رونق بخشد و باعث ارتقاء استاندارد زندگی در امریکای شمالی شود، اما آنچه حائز

اهمیت است تأثیر این پیمان بر کشورهای غیرعضو می‌باشد.

وی افزود: مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که اجرای پیمان نفتا کمتر از یک درصد انحراف در صادرات کشورهای غیرعضو ایجاد می‌کند. این مطالعه تمام کشورهای غیرعضو را به صورت یک مجموعه در بر گرفته است لذا، نمی‌توان بدرستی تخمین مناسبی برای هر یک از کشورها، پیدا کرد.

○ موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای اکنون با توافق‌های تجاری سنتی، کاملاً تفاوت دارند، زیرا تجارت بین‌المللی به یکی از اولویت‌های اساسی در کشورها در سطح جهان تبدیل شده و با پایان یافتن دوران جنگ سرد ضرورت اعطای امتیازات تجاری/اقتصادی در ارتباط با ملاحظات سیاسی و استراتژیک منتفی شده است.

وی اضافه کرد: کشورهایی که نسبت به اجرای موافقتنامه نفتا حساسیت بیشتری نشان داده‌اند تلاش کردند تا با بررسی دقیق این موافقتنامه و اتخاذ اقدامات عملی، امکان نفوذ به بازار منطقه و یا حداقل حفظ سهم گذشته خود در این بازارها را فراهم کنند.

زاغیان گفت: آزادسازی تجارت بر اساس پیمان نفتا، به طور بالقوه می‌تواند تجارت را از کشورهای غیرعضو به سمت کشورهای عضو منحرف کند. این انحراف ممکن است در سرمایه‌گذاری نیز رخ دهد به گونه‌ای که شرکت‌های خصوصی برای دستیابی به بازار منطقه، احتمالاً دفاتر خود را در

امریکای شمالی دایر کنند و یا گسترش دهند.

وی افزود: اگر چه قوانین مطرح در پیمان نفتا، همواره به مانعی برای ورود کشورهای غیرعضو شباهت دارد، لیکن این مانع اولاً برای بخش‌ها و کالاهای مختلف، متفاوت است، و ثانیاً اقدامات اخیر مکزیک در جهت آزادسازی یکجانبه و تبعیت از اصل کامله‌الوداد، ایجاد تسهیلات در امر مشارکت سایرکشورها و ... چشم‌انداز مناسبی را برای کشورهای غیرعضو پیمان نفتا، نشان می‌دهد.

بر اساس قوانین مبدأ در نفتا بخش‌های اتومبیل، کامپیوتر، منسوجات و پوشاک بیشتر مورد حمایت قرار دارند، لذا این بخش‌ها مانعی برای ورود کشورهای غیرعضو، تلقی می‌شود.

زاغیان معتقد است که اندازه اقتصاد کشورهای غیرعضو و حجم روابط تجاری آنها با اعضای نفتا، وجود تشابه و تمایز میان اقلام صادراتی این دو گروه، درجه انحراف در تجارت رامتفاوت می‌سازد.

آیا «نفتا» بازار هدف برای ایران تلقی می‌شود؟

بررسی وضعیت مناسبات اقتصادی ایران با سه کشور عضو پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی نشان می‌دهد که «نفتا» می‌تواند یکی از بازارهای هدف برای کالاهای غیرنفتی صادراتی ایران باشد، هرچند میزان مبادلات تجاری کنونی ایران با سه کشور مورد بحث با توجه به اندازه اقتصاد و تجارت خارجی منطقه «نفتا» ناچیز است.

تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران، یکی از موانع اصلی توسعه تجارت ایران با امریکا می‌باشد. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا در شمار بزرگترین شرکای تجاری ایران قرار داشت.

در پی تسخیر لانه جاسوسی در تهران و اعمال تحریم اقتصادی از سوی امریکا بر ایران، روند مناسبات اقتصادی در کشور تقریباً قطع شد، اما پس از خاتمه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به طور غیررسمی و در چارچوب تجارت محصولات خاصی، برقرار گردید.

تحریم تجاری امریکا علیه ایران صدور محصولات امریکایی دارای تکنولوژی پیشرفته یا مصارف نظامی به ایران را در برمی‌گرفت و در مقابل برای مقابله با افزایش درآمدهای ارزی ایران صادرات کالاهای ایرانی به بازار امریکا را ممنوع اعلام کرد. بااین حال به طور غیررسمی محصولات ایرانی وارد بازار امریکا شد.

○ پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، وسایط نقلیه موتوری، انرژی، خدمات مالی، ارتباطات، منسوجات و پوشاک و حمل و نقل در سه کشور عضو را تسهیل کرده است.

پس از خاتمه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، برنامه بازسازی اقتصادی سبب افزایش خریدهای خارجی ایران شد. تقریباً یکصد میلیارد دلار در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی / اجتماعی و فرهنگی کشور،

در بنیان‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری شد که حدود ۳۰ درصد آن با جذب منابع خارجی تأمین گردید.

فروش تجهیزات صنعت نفت و گاز و تجهیزات رایانه‌ای (کامپیوتری) ازسوی شعب اروپایی شرکت‌های امریکایی به ایران سبب شد که در سال ۱۹۹۴ امریکا بزرگترین شریک تجارت خارجی ایران باشد. در مقابل فروش نفت به واحدهای اروپایی شرکت‌های نفتی امریکا به ویژه شوان، کالتکس و موبیل افزایش داشت. در سال ۱۹۹۴ شرکت‌های امریکایی حدود ۴ میلیارد دلار نفت خام از ایران برای مصرف در پالایشگاه‌های خارج از خاک امریکا، خریداری کردند. میزان خریدهای ایران از شرکت‌های امریکایی نیز حدود ۳/۲ میلیارد دلار (آمار غیررسمی) برآورد شده است.

بهبانجویی‌های دولت امریکا و وارد ساختن اتهامات واهی به ایران از قبیل تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و هواداری از تروریسم بین‌المللی در واقع موضع انفعالی امریکا در برابر اروپای هوادار گسترش مناسبات با ایران، بود.

بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی برنامه اول با جذب منابع از اروپا تأمین مالی شد و زمانی که امریکا در سال ۱۹۹۴ به بزرگترین شریک تجاری ایران بدل شد، واکنش کشورها و شرکت‌های اروپایی را به اتهامات وارده علیه ایران به دنبال داشت.

امریکا به منظور منزوی ساختن ایران، زمانی که توانست ملل اروپایی را متقاعد سازد که مناسبات

اقتصادیشان با ایران را محدود کنند و با اعتراض آنها روبه‌رو شد، طرح تحریم جدیدی را علیه ایران تدارک دید.

این طرح که اکنون مراحل قانونی شدن را می‌گذراند، شرکت‌های اروپایی طرف قرارداد با ایران را مورد تحریم امریکا قرار می‌دهد. واکنش اروپا نسبت به این تحریم تاکنون نتایجی برای دولت امریکا در بر نداشته است، زیرا این تحریم به قول مقام‌های آمریکایی نیز نقض حاکمیت ملل اروپایی تلقی می‌شود.

در مرحله نخست تحریم امریکا علیه ایران در سال ۱۹۹۵، واحدها و شعب شرکت‌های آمریکایی در اروپا نیز از انجام دادوستد با ایران محروم شدند و این امر سبب شد که آنها از ۲ میلیارد دلار فروش تجهیزات کامپیوتری و صنعت نفت و گاز به ایران، محروم گردند.

غیرقانونی اعلام شدن قرارداد شرکت آمریکایی کونوکو با ایران برای توسعه میادین نفتی حوزه سیری که حدود یک میلیارد دلار ارزش داشت، از زیان‌های غیرقابل جبران در نتیجه اعمال این تحریم بود. ایران در مدت کوتاهی توانست این قرارداد را با شرکت فرانسوی توتال منعقد کند و هم‌اکنون فعالیت‌های پروژه سیری در حال انجام است.

حتی اگر طرح جدید سناتور داماتو در باره تشدید مجازات علیه ایران، قانونی شود، به نظر نمی‌رسد که اروپا نظر مثبتی بدان نشان دهد. آمریکایی‌ها خود می‌توانند تحریم را در قبال شرکت‌های اروپایی به اجرا درآورند، اما به نظر نمی‌رسد که دست

به چنین اقدام بی‌منطقی بزنند، زیرا اروپا اقدامات تلافی‌جویانه علیه شرکت‌های آمریکایی اتخاذ خواهد کرد. از سوی دیگر تحریم امریکا علیه شرکت‌های اروپایی متناقض با قوانین سازمان تجارت جهانی است و از این رو امریکا دچار مشکلاتی در رابطه با اروپا خواهد شد.

○ پذیرش قانون مبدأ در پیمان نفتا سبب شده است که محصولات نهایی تولید شده در منطقه از امتیازات تجارت آزاد بهره‌مند شود و بسیاری از صادرکنندگان کالا به امریکای شمالی را ترغیب به سرمایه‌گذاری در یکی از سه کشور عضو پیمان نماید.

زمانی که تحریم امریکا سبب منع معاملات واحدهای اروپایی شرکت‌های آمریکایی با ایران شد، توجه ایران به کانادا جلب شد. حجم مناسبات اقتصادی ایران و کانادا در سال‌های اخیر تقویت شده است. بازار کانادا برای محصولات غیرنفتی ایران نیز بازار مناسبی است. با وجود سخت‌گیری‌هایی که برای ورود کالاهای ایرانی به امریکا می‌شود، بخش قابل توجهی از صادرات غیرنفتی ایران به کانادا، به طور غیررسمی وارد بازار امریکا می‌شود.

آمار منتشره از سوی اتاق ایران و کانادا نشان می‌دهد که صادرات کانادا به ایران از ۳۰۳ میلیون دلار کانادا در سال ۱۹۹۱ به ۳۵۸/۹ میلیون دلار کانادا در سال ۱۹۹۲ رسید. اما از سال ۱۹۹۳ به ۲۵۷ میلیون دلار کانادا تنزل یافت و در سال ۱۹۹۴ بار دیگر افزایش داشت و به

حدود ۴۴۶ میلیون دلار کانادا رسید. ارزش صادرات کانادا به ایران در سال میلادی گذشته به ۴۲۱/۴ میلیون دلار کانادا بالغ شد.

ارزش صادرات ایران به کانادا (شامل نفت، فرآورده‌های نفتی، فرش، خشکبار و ...) از ۶۸/۵ میلیون دلار کانادا در سال ۱۹۹۱ به ۱۲۶/۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ و سپس ۲۳۹/۲ میلیون دلار کانادا در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۴ ارزش محصولات صادراتی ایران به کانادا به ۱۱۶/۷ میلیون دلار کانادا و در سال میلادی گذشته به ۱۲۱/۷ میلیون دلار کانادا بالغ شد.

بخش قابل توجهی از واردات ایران از کانادا را تجهیزات صنعتی، گندم، ماشین‌آلات و قطعات آنها و وسایط حمل و نقل (لوکوموتیو، چرخ‌بال و قطعات آن) تشکیل دهد.

انتظار می‌رود مناسبات ایران و کانادا در آینده گسترش یابد.

سفیرکانادا در تهران نسبت به گسترش همکاری‌های تجاری - اقتصادی و سرمایه‌گذاری میان ایران و کانادا موافقت و علاقه‌مندی کشور متبوعش را اعلام کرده است.

دونالد مک‌لنن اظهار داشت مبادلات اقتصادی ایران و کانادا از طریق ۱۰ شرکت کانادایی در ایران و شش شرکت ایرانی در کانادا انجام می‌شود.

وی گفت: همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین کانادا و ایران در سال‌های اخیر همواره روند افزایشی داشته و انتظار می‌رود در آینده همچنان توسعه پیدا کند.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران از شرکای تجاری عمده کانادا در منطقه خاورمیانه است و با توجه به امکانات توسعه همکاری‌های متقابل، دولت کانادا تلاش دارد که این همکاری‌ها و مناسبات با تهران را افزایش دهد.

جرج رسام مستشار بازرگانی سفارت کانادا در تهران اعلام کرد: سیاست بازرگانی کانادا مستقل از امریکاست و این کشور تلاش دارد کالاهایی را که امریکا به ایران صادر نمی‌کند، به جمهوری اسلامی ایران ارسال کند.

○ از نظر سرمایه‌گذاری در منطقه نفتا، مکزیک موقعیت ویژه‌ای دارد، زیرا امکان دستیابی به ۱۰۰ درصد سرمایه‌گذاری برای خارجی‌ها وجود دارد. سرمایه‌گذاران ژاپنی و اروپایی بیش از دیگران به این موضوع توجه دارند.

وی گفت: تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران، بی‌اثر بوده است و غیراز اسرائیل هیچ کشوری از آن تبعیت نکرده است.

وی گفت: عمده‌ترین کالاهایی که کانادا به ایران صادر می‌کند، دارای دانش فنی و تکنولوژی است. ضمن آنکه کالاهای کانادایی از انواع مشابه امریکایی و اروپایی، ارزان‌تر است.

وی گفت: کانادا آماده است که تسهیلاتی را برای افزایش صادرات غیرنفتی ایران به این کشور ایجاد کند در رابطه با روابط تجاری ایران و مکزیک باید گفت: مناسبات دو کشور اکنون در مرحله جدیدی قرار دارد و رو به توسعه می‌باشد. مکزیک همانند ایران از تولیدکنندگان عمده نفت

می‌باشد و لذا همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری بهترین زمینه برای توسعه مناسبات دو کشور می‌باشد.

فرناندو اسکامیا سفیر مکزیک در تهران اخیراً اظهار داشت: ایران و مکزیک زمینه‌های زیادی برای گسترش همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی دارند که باید در کمیسیون مشترک دو کشور بررسی و ارزیابی شود.

وی افزود: مکزیک برای گسترش مناسبات جاری دوکشور به ویژه در زمینه خرید خشکبار و فرش از ایران آمادگی دارد.

وزیر بازرگانی ایران آبان ماه گذشته در رأس یک هیأت اقتصادی به مکزیک سفر کرد و در این سفر با وزرای بازرگانی و توسعه صنایع و انرژی مکزیک دیدار و گفت و گو داشت.

یحیی‌الاسحاق در گفت و گو با مقام‌های مکزیکی، برقراری رابطه بین سازمان‌های اقتصادی دو کشور، افزایش حجم مبادلات تجاری و متنوع‌سازی آن و نیز سرمایه‌گذاری مشترک برای تولید و صدور کالا به کشورهای ثالث را مطرح نمود که مورد استقبال واقع شد.

برای ایران، کانادا و مکزیک دروازه‌هایی برای ورود به بازار امریکا و یا خریداری و تأمین مایحتاج توسعه صنعتی تلقی می‌شود. لذا گسترش مناسبات ایران با دو کشور مورد بحث در آینده، مدنظر خواهد بود.

سهم صادرات ایران به بازار نفتا بسیار ناچیز است

محمد زاغیان کارشناس ارشد مسایل اقتصادی در بخش دیگری از

گفت‌وگویی خود با نشریه «بررسی‌های بازرگانی» اظهار داشت: سهم صادرات ایران به بازار نفتا نسبت به کل واردات این منطقه تقریباً صفر است.

وی گفت: ارزش صادرات ایران به بازار کشورهای عضو پیمان نفتا در سال ۱۹۹۳ به ۱۰۵ میلیون دلار رسید که درمقایسه با ۷۰۰ میلیارد دلار واردات این کشورها، بسیار ناچیز است.

زاغیان اظهار داشت: سهم روابط تجاری هر کشور غیرعضو با کشورهای عضو یک پیمان منطقه‌ای می‌تواند تا حدودی درجه انحراف در تجارت را برای کشور غیرعضو مشخص کند.

وی افزود: از نظر ترکیب اقلام صادراتی، ایران رقیب مهمی برای کشورهای عضو پیمان نفتا محسوب نمی‌شود، زیرا مشابهت‌های عمده‌ای بین اقلام صادراتی کنونی ایران و کشورهای عضو این پیمان، وجود ندارد. وی اضافه کرد که تا حد زیادی می‌توان امیدوار بود که تأثیر مستقیم موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی بر تجارت ایران ناچیز است و انحراف مهمی در صادرات ایران ایجاد نخواهد کرد.

○ محمد زاغیان کارشناس ارشد مسایل اقتصادی: تأثیر پیمان نفتا بر اشتغال و دستمزدهای واقعی کارگران با تخصص پایین در کانادا و امریکا بسیار ناچیز بوده است.

این کارشناس اظهار داشت: بررسی‌های آماری مربوط به سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ نشان می‌دهد که ارزش کل صادرات ایران به کشورهای عضو پیمان «نفتا» از حدود ۶۳/۲ میلیون

دلار در سال ۷۱ به ۱۰۵ میلیون دلار در سال ۷۲ افزایش یافته و ۶۶ درصد رشد را نشان می‌دهد.

وی گفت: در بین کشورهای عضو نفتا، کانادا سهم بسیار بالایی در جذب صادرات ایران دارد به گونه‌ای که این سهم در سال‌های ۷۱ و ۷۲ به ترتیب حدود ۷۵ و ۷۱ درصد بوده است. وی در باره ارقام عمده صادراتی ایران به بازار نفتا اظهار داشت: قالی و قالیچه، خشکبار، خرما، زعفران، البسه، کفش، ترشی‌ها و صنایع دستی عمده‌ترین کالاهای صادراتی به بازار نفتا می‌باشد.

○ آزادسازی تجاری بر اساس پیمان نفتا، به طور بالقوه می‌تواند تجارت را از کشورهای غیرعضو به سمت کشورهای عضو منحرف کند. این انحراف در سرمایه‌گذاری نیز ممکن است رخ دهد.

وی در باره درجه اهمیت تجاری کشورهای عضو پیمان نفتا برای ایران، گفت: در میان سه کشور عضو این پیمان، مکزیک از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است. این کشور آزادسازی تجارت را محور فعالیت‌های بازرگانی قرار داده است، از این رو دسترسی به بازار «نفتا» از طریق مکزیک در شرایط کنونی آسان‌ترین راه به نظر می‌رسد. گذشته از آن نرخ تعرفه‌های گمرکی این کشور بین صفر تا بیست و پنج درصد در نوسان است. از زاغیان درباره ارقام صادراتی به مکزیک پرسیدیم، گفت: ارقام مهمی که امکان صدور آن به مکزیک وجود

دارد، عبارتند از مواد غذایی (پسته، بادام، کشمش، میوه‌ها و سبزی‌ها)، منسوجات (انواع نخ، پارچه‌های ابریشمی، فرش‌های ماشینی و دستیافته)، مواد دارویی و شیمیایی (گیاهان دارویی و پارافین)، محصولات فلزی (آلومینیومی، روی و قلع) و لوازم خانه (انواع ظروف چینی، ملامین، استیل و ...)

○ نتایج حاصل از آزادسازی تجاری بر مبنای پیمان نفتا به حجم نسبی تجارت بین کشورهای عضو و اندازه نسبی اقتصاد آنها بستگی دارد. از نظر ارزش تولید ناخالص داخلی اندازه اقتصادی کانادا یک‌دهم آمریکا و اندازه اقتصاد مکزیک کمتر از ۵۰ درصد کانادا است.

وی افزود: یکی از راه‌های دیگر برای دسترسی به بازار نفتا، سرمایه‌گذاری مشترک تجاری و صنعتی با کشورهای عضو این پیمان به ویژه مکزیک می‌باشد. ویژگی مکزیک از آن جهت می‌باشد که این کشور از نظر ساختار اقتصادی مشابهت بیشتری با ایران دارد و تا صد درصد سرمایه‌گذاری خارجی را می‌پذیرد.

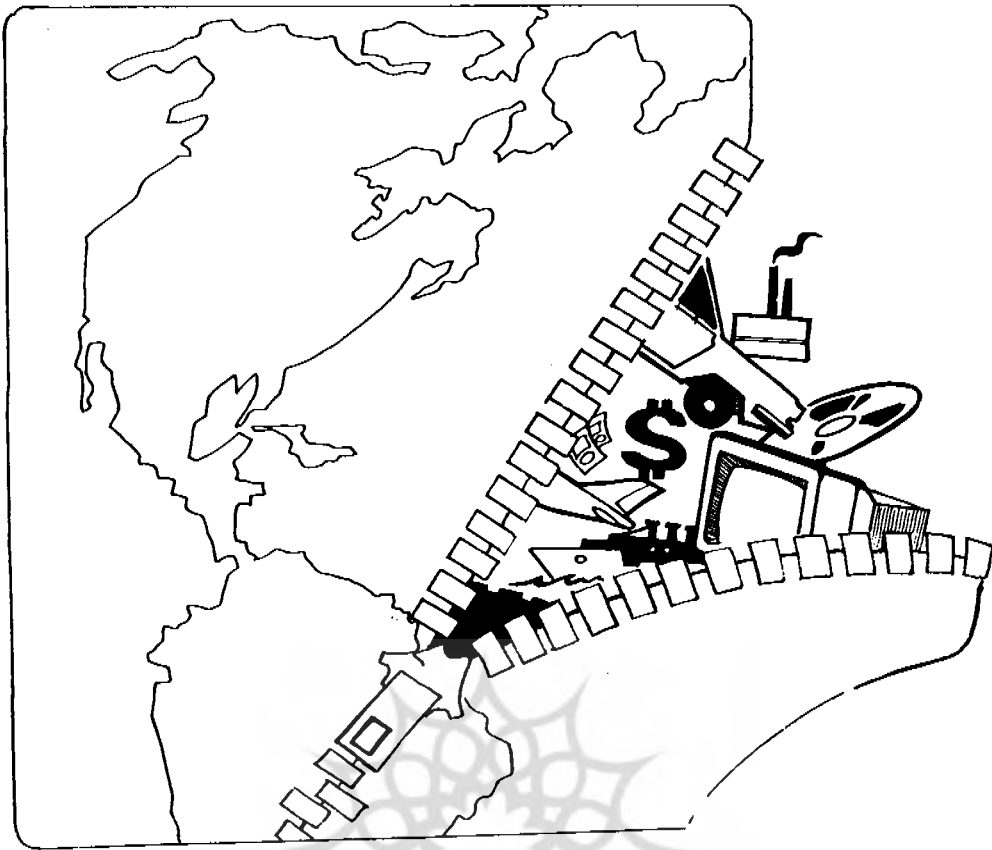
وی گفت: چنانچه اقداماتی برای سرمایه‌گذاری مشترک با شرکای مکزیکی صورت بگیرد، کالاهای تولیدی در این کشور (با انجام فرآیند پردازش) می‌تواند بدون محدودیت و به عنوان کالای تولیدی مکزیک وارد بازار نفتا شود. لذا سرمایه‌گذاری مشترک بین بازرگانان و صنعتگران ایران و مکزیکی

سودمند خواهد بود.

وی تصریح کرد که با توجه به گسترش همگرایی‌های منطقه‌ای و رقابت فشرده در سطح جهانی برای دسترسی به بازارها، چنانچه ایران نخواهد در عرصه تجارت بین‌المللی جایگاهی برای خود بیابد و یا دست کم رد پای گذشته را حفظ کند، ضرورت دارد که مقام‌های دولتی سرعت عمل بیشتری برای گسترش روابط سیاسی - اقتصادی تجاری با کشورهای حوزه انواع موافقتنامه‌های منطقه‌ای به خرج دهند. با انعقاد موافقتنامه‌های صنعتی و تجاری، ایران می‌تواند گامی در جهت گشودن بازار شرکای تجاری خود به روی تولیدات کشور، بردارد.

○ مکزیک ۷ درصد صادرات و واردات آمریکا را به خود اختصاص می‌دهد، اما ۷۰ درصد ارزش مبادلات خارجی مکزیک در رابطه با امریکا است. بنابراین انتظار می‌رود که مکزیک اغلب دستاوردهای پیمان نفتا را به خود اختصاص دهد.

وی افزود: بخش خصوصی با حضور خود در صحنه تجارت بین‌المللی و تلاش برای معرفی محصولات و تولیدات ملی به بازارهای جهانی می‌تواند مشکلات کنونی را به بهای دستیابی به بازارهای مطمئن، تحمل کند. کمالینکه در مورد محصولات سنتی نظیر فرش، خشکبار و ... به جرأت می‌توان گفت که ما رقیب سرسختی در بازار جهانی هستیم.



جمع‌بندی

با وجود آنکه سهم صادرات ایران به بازار کشورهای عضو پیمان نفتا در قیاس با کل تجارت خارجی آنها، بسیار ناچیز است، اما این بازارها می‌تواند به عنوان بازار هدف در آینده مطرح شود. دریچه ورود و نفوذ در بازار بزرگ ۳۶۰ میلیون نفری نفتا که احتمال دارد با پیوستن کشورهای امریکای لاتین بدان، گسترش یابد، از طریق مکزیک، می‌باشد.

قوانین تجارت آزاد و جلب سرمایه‌گذاری خارجی مکزیک، بهترین امکان را برای انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک صنعتی میان بخش خصوصی ایران و این کشور، فراهم ساخته است. با انجام سرمایه‌گذاری مشترک و

پردازش نهایی کالاها در خاک مکزیک و بهره‌گیری از قانون مبدأ پیمان نفتا، می‌توان راه نفوذ به بازار امریکا و کانادا را به خوبی مورد بهره‌برداری قرار داد. با توسعه مناسبات تجاری - اقتصادی با کانادا می‌توان انتقال دانش فنی و تکنولوژی به کشور را فراهم ساخت و با جذب مشارکت شرکت‌های کانادایی و انجام معاملات بیع متقابل، زمینه را برای توسعه صادرات به منطقه نفتا و نیز توسعه اقتصادی با کشورهای مکزیک و کانادا از سوی بخش‌های دولتی و خصوصی هموار ساخت. از ضروریات غیرقابل انکار می‌باشد که می‌توان منطقه نفتا را به یکی از بازارهای هدف برای توسعه صادرات غیرنفتی تبدیل کرد.

منابع این گزارش:

- ۱- اخبار تلکس اقتصادی خبرگزاری جمهوری اسلامی
- ۲- اطلاعات سیاسی، اقتصادی مرداد و شهریور ۱۳۷۳
- ۳- سالنامه آماری بازرگانی خارجی - گمرک جمهوری اسلامی ایران
- ۴- منابع وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران
- ۵- گزارش ترتیبات تجارت منطقه‌ای صندوق بین‌المللی پول ۱۹۹۴
- ۶- گات: مکانیسم بررسی سیاست‌های تجاری - مکزیک ۱۹۹۳
- ۷- گات: مکانیسم بررسی سیاست‌های تجاری - کانادا ۱۹۹۴
- ۸- آمار اتاق ایران و کانادا